Journal of Spiritual Health

2024, Volume 3, Issue 2
Pages: 374-381
10.30491/JSH.3.2.374

The Noble Life and its Application in the Field of Spiritual Health with an Emphasis on the Holy Quran and the Law of Conformity

Mojtaba Gharabaghi [1*], Tayebeh Gholamhosseini [2], Mohammadali Rezaei Cherati [3], Ali Malekootinia [4], Mohammadali Akhavan [5]

[1] *Department of Islamic Studies, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
[2] *Department of Psychology, Islamic Studies University, Qom, Iran*
[3] *Qom seminary, Qom, Iran*
[4] *University of Quran and Hadith, Qom, Iran*
[5] *Al-Mustafa International University, Qom, Iran*

Abstract

Background and Aim: Today, spiritual health is one of the most important topics in therapy. Generous living as a way of life to replace the styles arising from materialistic thinking is rooted in the teachings of Islam. This research seeks to discuss the connection between generous living and spiritual health.

Methods: In this research, with the analytical-descriptive method and library tools, it has been tried to discuss the components of the generous life and to talk about its applications in spiritual health.

Results: Research on religious foundations and sources shows that principles such as human dignity, privacy, and respect to privacy as the fundamental components of a generous life can have much affection in the aspect of spiritual health and it will guarantee spiritual health.

Conclusion: This research has reached these results that with the application of benevolent biology in the fields of medical research, surgery, interaction with the patient, and prescribing medicine, the ground is provided for the realization of spiritual health and its protection. On the other hand, paying attention to spiritual health in the treatment process can facilitate the treatment that focuses on the physical dimension.

Keywords: Generous Living, Spiritual Health, Respect to Privacy, Physical Health.

[*]Corresponding author: **Mojtaba Ghorabaghi,** Email: mq0452@gmail.com

Received: 26 February 2024 **Accepted:** 6 September 2024

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

مجله سلامت معنوی
دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳
صفحات: ۳۸۱-۳۷۴
10.30491/JSH.3.2.374

زیست کریمانه و کاربست آن در گستره سلامت معنوی با تأکید بر قرآن کریم و قانون انطباق

مجتبی قراباغی[۱*]، طیبه غلامحسینی[۲]، محمدعلی رضایی چراتی[۳]، علی ملکوتی نیا[۴]، محمد علی اخوان[۵]

[۱] گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران
[۲] گروه روانشناسی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
[۳] حوزه علمیه قم، قم، ایران
[۴] دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران
[۵] جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

زمینه و هدف: امروزه سلامت معنوی به عنوان یکی از مباحث مهم در گستره درمان و پیشگیری مطرح است. زیست کریمانه به عنوان سبک زندگی جایگزین سبک‌های برخاسته از تفکر مادی، ریشه در آموزه‌های دین اسلام دارد. پژوهش فرارو در پی آن است که پیوند زیست کریمانه را با سلامت معنوی به بحث گیرد.

روش‌ها: در این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای تلاش شده است که مؤلفه‌های زیست کریمانه به بحث گرفته شود و کاربست‌های آن در سلامت معنوی بررسی گردد.

یافته‌ها: پژوهش در مبانی و منابع دینی بیانگر آن است که اصولی مانند کرامت انسانی، نگهداری حریم و تنسک به عنوان مؤلفه‌های بنیادین زیست کریمانه، می‌توانند در گستره سلامت معنوی کارکردهای فراوان داشته باشد و به نوعی باعث تضمین آن شوند.

نتیجه‌گیری: پژوهش فرارو به این نتایج نایل آمده است که با کاربست زیست کریمانه در گستره‌های پژوهش‌های پزشکی، جراحی، تعامل با بیمار و تجویز دارو، زمینه برای تحقق سلامت معنوی و پاسداری از آن فراهم می‌گردد. از سوی دیگر، توجه به سلامت معنوی در فرایند درمان می‌تواند درمانی ناظر به بعد جسمی را تسهیل نماید و از دیگر سو، می‌تواند به عنوان عاملی برای پیشگیری به شمار رود.

کلیدواژه‌ها: زیست کریمانه، سلامت معنوی، نگهداری حریم و سلامت جسمی.

*نویسنده مسئول: **مجتبی قراباغی.** پست الکترونیک: mq0452@gmail.com
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]
[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

مقدمه

سلامت معنوی یکی از مباحثی است که در اواخر به صورت پررنگ در پژوهش‌های علمی غرب مطرح شده است. گرچه این مفهوم در مجامع علمی غربی سابقه چندانی ندارد؛ ولی در نظام فکری اسلامی از دیرباز مطرح بوده است. البته باید توجه داشت که این مفهوم به صورت صریح در منابع اسلامی بیان نشده است ولی با تمسک به مبانی و آموزه‌های اسلامی قابل استنباط خواهد بود. در منابع دینی از توأم بودن ایمان و عمل سخن رفته است؛ این بدان معنا است که برپایه گفتمان اسلامی، نمی‌توان عمل و کنش را بدون توجه به معنویت، کامل انگاشت؛ به بیان دیگر، در منطق اسلام، در صورتی، عمل، ردای کمال برتن خواهد نمود که همگام با ایمان و معنویت باشد. این بدان دلیل است که برپایه نظام انسان‌شناختی اسلام، انسان موجود دو ساحتی است؛ به این معنا که افزون بر بعد جسمانی، دارای بعد معنوی است. انسان آن گاه به کمال می‌رسد که با زیست کریمانه، دارای رشد متوازن باشد؛ یعنی افزون بر رشد جسمانی، از نظر معنوی نیز رشد و تکامل یابد. بی‌گمان، رشد متوازن در صورتی، دستیافتنی خواهد بود که انسان همگام با سلامت جسمانی از سلامت معنوی نیز برخوردار باشد. از نظر آموزه‌های قرآنی، انسان دارای کرامت است؛ ازاین‌رو باید در پی زیست کریمانه باشد تا در پرتو آن بتواند سلامت معنوی را تأمین نماید. براساس ضوابط و آموزه‌های قرآنی و اسلامی، سلامت معنوی دارای مؤلفه‌های گوناگون است که با تمسک به آنها می‌توان از پاسداری سلامت معنوی سخن به میان آورد. اصولی مانند کرامت انسانی، اصل نگهداری حریم و اصل تنسک، مؤلفه‌های زیست کریمانه را تشکیل می‌دهند که به‌کارگیری آن‌ها می‌توانند سلامت معنوی را تأمین نمایند.

مفهوم شناسی

منطق پژوهش مقتضی آن است که پیش از ورود به مباحث اصلی، موضوعات پیشینی مورد بررسی و کاوش قرارگیرند. یکی از موضوعات پیشین در پژوهش، مفاهیم و واژگان کلیدی است که در پژوهش به کار می‌روند. ضروری است که این امور، روشن گردد تا فرایند پژوهش با مشکل مواجه نشود؛ ازاین‌رو در این مجال مفاهیم مرتبط با پژوهش بررسی می‌گردد.

زیست کریمانه

جهان مدرن، عرصه جدال سبک‌های زندگی است؛ به این معنا که مکاتب فکری گوناگون، متناسب با مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، فرجام‌شناختی خود، سبک زندگی برای بشر ارائه می‌نماید و هرکدام برای توجیه آن تلاش می‌نماید؛ این تلاش‌ها محدود به گستره نظری نیست بلکه در ابعاد مختلف تلاش می‌شود تا سبک زندگی مورد نظر بر سایر مکاتب غلبه نماید؛ تفکری برخاسته از نگاه ماده‌گرایانه، سبک زندگی‌ای را پیشنهاد می‌نماید که در آن رابطه میان معنویت و علم نادیده انگاشته شده است؛ در این نوع بینش که به صورت جدی از قرن نوزدهم آغاز گردید، معنویت و اخلاق با علم و پیشرفت بی‌ارتباط انگاشته می‌شود (۱).

در برابر این نوع نگاه، سبک زندگی دیگری ارائه شده است که در آن بر آموزه‌های دینی توجه می‌گردد که در جامعه اسلامی از آن به سبک زندگی اسلامی یاد می‌شود؛ ولی باتوجه به اینکه این نوع سبک زندگی به صورت روشن تبیین نشده است، گاهی پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال داشته‌است؛ برای نمونه نحله‌های فکری گوناگونی منتسب به دین اسلام با فهم ناصواب به نام سبک زندگی اسلامی، اقداماتی را انجام دادند که سنخیتی با نظام صلح‌آمیز و تعالی‌جوی اسلامی ندارند. براین پایه نگارنده برآن است که سبک زندگی اصیل اسلامی که از آن به« زیست کریمانه» یاد می‌شود، تنها روشی اصیل و منطبق با آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند نمایان‌گر اسلام ناب باشد. این مفهوم که برخاسته از آیه هفتاد سوره اسراء است، سبکی است که در آن معنویت، رأفت، عقلانیت، تعاون اجتماعی و غیره جایگاه ویژه دارد.

زیست کریمانه عبارت از سبک زندگی‌ای است که در پرتو آن، انسان به درجه‌ای از رشدیافتگی می‌رسد که رفتار، گفتار، اندیشه و غیره او نمودی از کرامتش می‌گردد و برای رشد دیگران در جهت ایجاد جامعه کریمانه تلاش می‌نماید؛ جامعه‌ای که در آن مواسات، عدالت، تقوا، معنویت و همزیستی نهادینه شده، خشونت و درندگی، بی‌بند و باری و غیره بدان دلیل که ناسازگار با ویژگی کرامت انسانی است، به حایشه رانده می‌شود. در این جامعه، مهندسی فرهنگی و علمی متناسب با ساحت معنوی و جسمانی انسان صورت می‌گیرد؛ ازاین‌رو به موازات تلاش برای سلامت جسمی، سلامت معنوی نیز مورد توجه است.

سلامت معنوی

گرچه در منابع دینی و پزشکی، معنویت پیشینه طولانی دارد و از زمان‌های دور، خداوند به عنوان عامل درمان و شفا انگاشته می‌شد؛ ولی سلامت معنوی که مفهوم جدید است، به صورت روشنی تعریف نشده است. مفهوم سلامت معنوی با توجه به باورهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی، گوناگون می‌گردد. برپایه دیدگاه اومانیستی و مادی که انسان و جهان را در امور مادی، محدود ساخته، تحلیل می‌نماید، تعریف سلامت معنوی، مفهوم متفاوت از دیدگاه اسلام که همه عالم را تجلیگاه اراده خداوند می‌داند (نحل /۴۰) و هدف زندگی انسان را تقرب به او می‌انگارد (انشقاق/۶)، خواهد بود.

براین اساس برخی سلامت معنوی را این گونه تعریف نموده‌اند: «سلامت معنوی عبارت از حالت اطمینان، آرامش و سکون قلبی و روحی که از اعتقاد و اعتماد به منبع و قدرت برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامنی ناشی می‌شود، است و باعث افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی می‌گردد و در نهایت به سلامت و تعالی همه جانبه انسان و انسانیت کمک می‌نماید» (۲). این تعریف بدان دلیل که همه ابعاد سلامت را در برنمی‌گیرد یا اینکه برخی از اموری

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

را که در چهارچوب سلامت معنوی قابل جایگذاری نیست، در برمی‌گیرد، کامل نیست. به این معنا که این تعریف از ویژگی «جامع و مانع بودن» برخوردار نیست. جامع نبودن آن بدان دلیل است که همه ابعاد سلامت معنوی را در شامل نمی‌شود؛ برای نمونه در این تعریف به خاستگاه سلامت معنوی اشاره نشده است؛ از سوی دیگر، هر سکون و اطمینان و غیره نمی‌تواند مصداق سلامت معنوی باشد؛ بلکه اطمینان و سکون قلبی‌ای که بتواند انسان را به هدف خلقت و زیست کریمانه رهنمون شود، مصداق سلامت معنوی خواهد بود و از سوی سوم، بدان دلیل که در این تعریف، بر نشاط درونی تأکید رفته است و به گونه‌ای القا شده است که کار ویژه سلامت معنوی، ایجاد نشاط درونی است، ناقص است. در حالی که سلامت معنوی باید نشاط را در همه ابعاد زندگی انسانی پدید آورد. برخی دیگر سلامت معنوی را وضعیتی دانسته‌اند که دارای مراتب گوناگون است که در آن متناسب با توانمندی‌های فرد، بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح فراهم می‌باشد به گونه‌ای که همه امکانات درونی به صورت هماهنگ و متعادل، برای رسیدن به تعالی به کار گرفته می‌شوند و همگام با امکان انتخاب، رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آن‌ها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت بروز می‌کنند (۳). گرچه این تعریف از آن جهت که رابطه انسان با خدا، جامعه، طبیعت، عرصه‌های درونی و بیرونی مورد توجه قرار داده است، دارای امتیاز است؛ ولی از آن جهت که نسبت به عالم آخرت بی‌توجه است، نمی‌تواند سلامت معنوی مدنظر اسلام را بازگو نماید. برخی از اندیشه‌وران اسلامی، سلامت معنوی را مساوی با «قلب سلیم» انگاشته‌اند (۴). به نظر می‌رسد، کوتاه‌ترین و گویاترین تعریف همین تعریف اخیراست که در آن سلامت معنوی، همسان با «قلب سلیم» انگاشته شده است؛ زیرا تحقق قلب سلیم است که می‌تواند تأمین کننده سعادت و فلاح بشر باشد؛ براین پایه است که در روز قیامت که مال و فرزند برای انسان نفع ندارد، تنها قلب پاک است که باعث سعادت او می‌گردد (شعرا/۸۸-۸۹).

مؤلفه‌های زیست کریمانه

زندگی کریمانه یک نوع سبک زندگی‌ای است که در برابر سبک‌ها و روش‌های زندگی برخاسته از مبانی مادی و لیبرالی قرار دارد. در این نوع زندگی تلاش می‌گردد که بشر با توجه به خاستگاه اصیل خود، جهان زیسته خود را سامان بخشد تا در پرتو آن بتواند از ورطه‌های ناشی از تفکرهای مادی و اومانیستی در امان بماند. این سبک از زندگی، زمانی می‌تواند جنبه عملی و اجرایی پیدا نماید که مکانیسم عملیاتی سازی آن در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر، طراحی و ارائه گردد. این مهم، زمانی دست یافتنی است که اصول و مؤلفه‌های حاکم بر سبک زندگی کریمانه روشن گردد. گرچه رژف اندیشی در مبانی و اصول حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی انسان، اصول و مؤلفه‌های بسیاری را در دسترس قرار می‌دهد؛ ولی از آنجایی که پردازش همه آن مجال‌ها می‌طلبد، در این فرصت تلاش خواهد شد به برخی آنها اشاره گردد تا در سایه آن‌ها بتوان از کاربست این سبک زندگی در گستره سلامت معنوی سخن به میان آورد.

اصل کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنای بزرگواری، دوری از فرمایگی، جوانمردی، بخشندگی و عزت است و به اخلاق و کارهای نیکو نیز اطلاق می‌شود (۵). در قرآن به صورت فراوان به این اصل تأکید شده است؛ برای نمونه در یکی از آیات آن چنین آمده است: «بی‌گمان ما فرزندان آدم را گرامی داشته، آنان را در خشکی و دریا [مرکب‌ها و کشتی‌ها] برنشاندیم و از پاکیزه‌ها به آنان، روزی داده، آنان را بر بسیاری از آفریدگان، برتری بخشیدیم». باید توجه داشت که این آیه، ناظر به کرامت ذاتی انسان است؛ زیرا در آن سخن از اعطای برتری از سوی خداوند اشاره شده است. به هرروی می‌توان گفت در آیات قرآنی، قتل و توهین ممنوع اعلام شده، (حجرات/۱۱؛ انعام/۱۵۱؛ نساء/۲۹؛ یوسف/۱۰؛ اسراء/۳۳؛ نساء/۹۳؛ مائده/۳۲). بشر به رفتار کریمانه (بقره/۲۳۵؛ نساء/ ۵، ۸ و ۶۳؛ اسراء/۲۳، ۲۸ و ۴۰؛ طه/۴۴؛ احزاب/۷۰) توصیه شده است که بیانگر اهتمام به کرامت و منزلت انسان می‌باشد. کرامت ذاتی بدان معنا است که خداوند انسان را به گونه‌ی آفریده است که از نظر ساختمان وجودی نسبت به موجودات دیگر دارای توانمندی‌هایی فراوان می‌باشد؛ به عبارت دیگر، سازمندی انسان در مقایسه با دیگر موجودات، ویژه است (۶) که این ویژگی، رسیدن به کمال را برای او آسان می‌کند. بنابراین، باید گفت، انسان در این زمینه از غنا و توانمندی فزونتری برخوردار است (۷).

کرامت اکتسابی عبارت از نایل آمدن به کمالی است که انسان در سایه ایمان، تقوا و عمل صالح بدان دست می‌یابد. درواقع، خاستگاه کرامت اکتسابی، کوشش‌هایی است که انسان انجام می‌دهد و ملاک تقرب و ارزش‌گذاری‌ها است؛ زیرا برخلاف نوع اول که در به وجود آمدن آن، انسان نقشی ندارد، نسبت به کرامت اکتسابی، اختیار و گزینش‌های انسان است که نقش تعیین کننده‌ای دارد ، اوست که با اختیار و اراده هوشمندانه خود در مسیر دستیابی به کمال و نزدیکی به خدا تلاش می‌نماید؛ بدان دلیل که کرامت اکتسابی، حاصل تلاش و اراده انسان است، دارای اهمیت انگاشته می‌شود (۸). کرامت اکتسابی مانند کرامت ذاتی مورد تأکید قرآن است. براساس آیات قرآنی، تنها معیار ارجمندی و تقرب به خدا، برخورداری از تقوا است که از عناصر کرامت اکتسابی به‌شمار می‌رود. در قرآن آمده است: «ای مردم! به راستی ما شما را از یک مرد و زن پدید آوردیم و شما را به گونه شعب و قبایل قرار داده‌ایم تا با یکدیگر آشنا شوید، قطعا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند باتقوا ترین شما است. به راستی خداوند دانای عالم است» (حجرات/۱۳) از نظر اسلام، این اصل یکی از اصول پایه و بنیادی در سلامت معنوی است؛ به این معنا که در صورتی می‌توان از تأمین سلامت معنوی سخن گفت که در فرایند درمان به این اصل توجه شده باشد.

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

اصل نگهداری حریم

یکی از اصول حاکم بر نظام اخلاقی و رفتاری اسلام، اصل احترام به حریم دیگران از یک سو، پایبندی به حریم و حدود خود از سوی دیگراست؛ به این معنا که فرد مسلمان وظیفه دارد در کنش‌ها و رفتارهای خود در مرحله نخست به حریم خصوصی دیگران احترام قایل شود، در مرحله دیگر، حدود و حریم خود را نیز مد نظر داشته باشد. حریم که برپایه دیدگاه فقهای اسلامی به معنای: «ما وجب علیه حفظه و المنع من انتهاکه» است (۹)، دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی می‌باشد؛ یعنی هم می‌تواند گستره‌های مربوط به اموال را در برگیرد و هم امور مربوط به شخصیت و امور معنوی را سامان دهد؛ زیرا تعریف پیش گفته دارای عمومیت است. لزوم پایبندی به حریم خصوصی دیگران افزون برآن که دارای پشتوانه‌های نقلی فراوان است، عقل نیز برآن تأکید می‌نماید و از آنجایی که عقل به عنوان یکی از ابزارهای پراهمیت در تفقه و تفکر دینی مطرح است (۱۰)، می‌توان گفت که در گستره نگهداری حریم نیز این ابزار می‌تواند ایفای نقش کند؛ به این ترتیب که یکی از ضوابط عقلی، آن است که هیچ فردی نسبت به دیگری، سلطه و ولایت ندارد مگر اینکه دلیل ویژه بر اثبات این امر وجود داشته باشد. کنکاش، تجسس و تعرض نسبت به حریم دیگران بدان دلیل که به نوعی ناهمساز با اصل سلطه فردی و استقلال انسان‌ها است، مورد پذیرش عقل نیست. براین اساس است که این ابزار می‌تواند لزوم نگهداری حریم را به اثبات برساند (۱۱). از نظر فقه اسلامی نیز نگهداری حریم به عنوان حکم الزامی و واجب مطرح شده است (۱۲).

آیات قرآن نیز براین امر تأکید دارد؛ این کتاب آسمانی به صراحت تعرض به حریم دیگران را نکوهش نموده، آن را ممنوع می‌انگارد (حجرات/۱۲). در منابع روایی نیز به این اصل فراوان تأکید شده است؛ برای نمونه امام علی(ع) آنگاه که مالک اشتر را به مصر فرستاد، او را از تعرض نسبت به حریم دیگران برحذر داشت (۱۳). به هر روی نگهداری حریم به عنوان یکی از اصول مهم در نظام ارزشی و هنجاری اسلامی، مطرح است. از آنجایی که بر پایه دیدگاه فقها و اندیشه‌وران اسلامی، هیچ ساحت زندگی بشر بدون حکم نیست و اسلام برای همه گستره‌ها و شئون زندگی انسان، دستور و حکم ارائه نموده است (۱۴)، باید گفت که ساحت سلامت معنوی و حریم نگهداری نیز چنین خواهد بود. البته برخی به صورت صریح و روشن در منابع نقلی مطرح شده‌اند و برخی دیگر را می‌توان با تمسک به ضوابط حاکم براستنباط و فهم دین به دست آورد. حال که اصل نگهداری حریم به عنوان یکی از اصول عام و کلی در نظام اسلامی است، باید گفت که عرصه سلامت معنوی که یکی گستره زیست انسان به شمار می‌رود، نیز از قلمرو اصل مزبور خارج نیست؛ ازاین‌رو کنش‌های ناظر به سلامت معنوی در نظام پزشکی و درمانی نیز باید در چهارچوب این اصل باشد که نمودهای آن در مباحث آینده به بحث گرفته خواهند شد.

اصل تنسک

تنسک در لغت به معنای، تعبد و بندگی است (۱۵). اصل تنسک به عنوان یکی از اصول پراهمیت در نظام‌واره زندگی انسان مطرح است. تنسک به عنوان ابزار ارتباط انسان با خاستگاه اصیلش، بخش عمده منابع اسلامی را به خود اختصاص داده است به گونه‌ای که بر پایه آیات قرآنی، هدف از پدیداری بشر در عالم، این اصل است (یس/۶۰) تا بتواند از رهگذر آن با منبع هستی بخش ارتباط برقرار نماید. یکی از اصولی که در نظام زندگی اسلامی هماره مورد تأکید بوده است، ارتباط با آفریدگار جهانیان می‌باشد؛ در منابع دینی به این امر بسیار توجه شده است و کسانی که ارتباط با خداوند را نادیده می‌انگارند، تهدید به زندگی‌ای همراه با تنگنایی و دشواری شده‌اند. افزون بر دشواری معیشتی، دچار عذاب سرای آخرت نیز خواهند بود (طه/۱۲۴). چنین مواجهه‌ای با افرادی که به یاد خدا نباشد، بیانگر اهمیت و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی است. براین پایه است که در برخی آیات، فزونی یاد خداوند توصیه شده است (احزاب/۴۱). عبادت و پرستش، نمونه کامل یاد خداوند است؛ ازاین‌رو می‌توان گفت که این مهم در سبک زندگی اسلامی پراهمیت است. جایگاه عبادت در نظام زندگی اسلامی به گونه‌ای است که به عنوان هدف آفرینش انگاشته شده است (ذاریات/۵۶). باید توجه داشت که زیست کریمانه، زمانی میسر است که هنجار و نظام‌واره‌ها، برخاسته از اراده خالق عالم که تنها او، صلاحیت اداره، مدیریت و تقنین را دارا است، باشد؛ ازاین‌رو به میزانی که بشر از گستره این نظام‌واره جدا گردد، زندگی کریمانه با آسیب و ناخوشایندی مواجه خواهد شد. البته باید توجه داشت که تنسک را نمی‌توان تنها محدود به انجام اعمال ویژه نمود؛ بلکه هرگونه اعمالی که در جهت تقرب و ترویج سبک زندگی کریمانه انجام شود، می‌تواند نمودی از اصل تنسک باشد. با توجه به مفاهیم دینی، بشر موجود دوساحتی است (ص/۷۲). که عبارت از گستره معنوی و جسمانی می‌باشد. در سبک زندگی کریمانه به هردو ساحت وجودی انسان توجه می‌گردد؛ یعنی همانگونه که ابزارهایی برای احیا و سلامت جسمانی به کار گرفته می‌شود، نسبت به سلامت معنوی نیز باید از ابزارهایی بهره برده شود؛ زیرا اصل تنسک که در منابع دینی مطرح شده، عاملی برای تعالی و رشد انسان انگاشته شده است. اصل تنسک بدان دلیل که جنبه معنوی در آن پراهمیت است، می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی کریمانه در گستره سلامت معنوی نقش آفرینی نماید که نمودهای آن در مباحث پسین مطرح خواهند شد.

کاربست اصل زیست کریمانه در گستره سلامت معنوی

زیست کریمانه که برخاسته از اصل کرامت‌مندی و دو ساحتی انسان است، زمانی می‌تواند در گستره‌های گوناگون زندگی بشر نمود و بروز نماید که کارگزاران و کنشگران عرصه‌های مختلف،

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

اقدامات متناسب با این نوع سبک زندگی را مورد توجه قرارداده باشند. در گستره سلامت معنوی نیز باید گفت که زیست کریمانه مقتضی آن است که کنشگران عرصه درمان و پزشکی در عرصه‌های گوناگون به این اصل توجه داشته باشند. با توجه به پیشرفت روز افزون فعالیت‌های پزشکی، زیست کریمانه می‌تواند ساحت‌های گوناگون را پوشش دهد؛ ولی بدان دلیل که فرصت پردازش همه آن‌ها، مجال فزونتری را می‌طلبد، در این نگاشته تلاش می‌شود، کاربست‌های این نوع سبک زندگی در گستره‌های چهارگانه پژوهش‌های علمی، تجویز دارو، تعامل با بیماران و اعمال جراحی به بحث گرفته شود.

در گستره پژوهش‌های علمی

یکی از گسترهای فعالیت‌های درمانی و پزشکی، عرصه پژوهش‌های ناظر به درمان است. سلامت معنوی در این گستره بدان معنا است که در پروژه‌های علمی باید زیست کریمانه مورد توجه باشد. بی‌تردید امروزه آزمایشگاه‌های فراوانی در سطح جهان وجود دارند که همه روزه برای کشف درمان بیماری‌ها و وسایل مناسب تلاش می‌نمایند. توجه به زیست کریمانه در این گستره بدان معنا است که پروژه‌ها باید به گونه‌ای باشند که در آن‌ها، هردو ساحت انسان مدنظر گرفته شود؛ یعنی افزون بر سلامت جسمانی، سلامت معنوی نیز باید پاسداشته شود. این امر زمانی محقق می‌گردد که اصول اخلاقی و دینی هم در مراحل پژوهش و هم در نوع محصول تولیدی، نقش آفرینی نمایند؛ به این معنا که نباید از انسان‌های که در شرایط نابرابر قرار دارند، برای انجام آزمایش‌های پزشکی و دارویی استفاده شود یا نباید محصولاتی که هنوز فرایندهای بالینی را به صورت کامل، پشت سر نگذاشته‌اند بدون جلب رضایت اشخاص و گروه‌های هدف، مورد استفاده قرارگیرند. البته رضایت نیز آگاهانه باشد؛ به این معنا که جوانب مسئله به فرد گفته شود تا با آگاهی تصمیم‌سازی نماید (۱۶)؛ از سوی دیگر در فرآیند پژوهش‌های پزشکی باید به باورها و هنجارهای زیست کریمانه که همانا، خداباوری، تکریم انسان، عدالت، نگهداری حریم و تنسک از اصول آن است، ملتزم بود؛ زیرا برپایه آموزه‌های دینی، خداوند است که شفای مریضی‌ها را می‌بخشاید (۱۷). بنابراین کاربست زیست کریمانه در گستره پژوهش‌های پزشکی این گونه است که در آن به معنویت توجه شود؛ زیرا برپایه مبانی دینی، معنویت یکی از مقومات سلامت به شمار می‌رود (۱۸). ازاین‌رو نمی‌توان با توجیه‌های سوداندیشانه، کرامت انسانی، اصل معنوی، نگهداری حریم و غیره را نادیده انگاشت. باتوجه به اینکه ماده یک قانون انطباق، همه نهادها و مراکز مرتبط به درمان را در برمی‌گیرد، می‌توان گفت که قانون مزبور شامل مراکز تحقیقاتی و پژوهشی نیز می‌شود؛ به این معنا که قانون انطباق باید در این مراکز نیز رعایت شود. این مراقبت‌های معنوی و ارزشی، ارتباط ژرفی با سلامت معنوی دارد (۱۹).

قانونگذار ایران نیز در قانون انطباق همه نهادهای دخیل در امر درمان را ملزم به رعایت اصول و آموزه‌های دینی نموده است که این می‌تواند گامی برای حمایت از سلامت معنوی باشد؛ برای نمونه در ماده اول آن چنین آمده است: «مؤسسات پزشکی، کلیه مراکز پزشکی و وابسته به پزشکی نظیر بیمارستان، زایشگاه، آسایشگاه، آزمایشگاه، پلی‌کلینیک‌ها، مطب پزشکان و داروخانه‌ها و محل کار سایر اقشار پزشکی و مؤسسات فیزیوتراپی و الکترو فیزیوتراپی، هیدروتراپی، آزمایشگاه‌های تشخیص و پژوهشی، درمانگاه، رادیولوژی، مراکز پزشکی هسته‌ای، مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی، بخش‌های تزریقات و پانسمان و یا هر تشکیلاتی که به هر نام و عنوان با اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایجاد شده یا خواهد شد (اعم از بخش دولتی- خصوصی و خیریه) و واحدهای مشابه دردانشگاه‌های علوم پزشکی و کلیه کارکنان فنی و اداری و خدماتی آن‌ها مشمول این قانون می‌گردند».

در گستره تجویز دارو

برآیند کاربست زیست کریمانه در گستره تجویز دارو، تقویت سلامت معنوی خواهد بود. امروزه سلامت معنوی به عنوان بعد چهارم سلامت مطرح است؛ این بدان معنا است که در فرایند درمان و فعالیت‌های پزشکی باید به این بعد از سلامت نیز توجه شود. ممکن است در برخی موارد در مرحله پژوهش‌های پزشکی به سلامت معنوی بیماران و جامعه توجه نشود و اقدام به تولید ابزار و محصولاتی شود که با سلامت معنوی انسان ناسازگار است؛ برای نمونه کرامت انسان، اصل تنسک، نگهداری حریم و غیره را با مخاطره مواجه سازند. ضرورت درمان، مجوز نمی‌شود که در مرحله درمان و تجویز محصولات، سلامت معنوی بیمار و جامعه نادیده انگاشته شود؛ ازاین‌رو باید از تجویز داروهای که برپایه مبانی دینی و اصول حاکم بر زیست کریمانه، سلامت معنوی را تهدید می‌نمایند، خودداری شود. یکی از اموری که برپایه دین اسلام باید در هنگام تجویز دارو مورد توجه باشد، خودکشی (نسا/۲۹-۳۰) (۲۰)، عقیم سازی (۲۱)، شراب‌خواری (۲۲) و غیره است؛ به این معنا که نباید در این مقام، مرتکب فعل حرام که ناسازگار با سلامت معنوی و زیست کریمانه است، شد.

افزون برآن، باید داروها به گونه‌ای باشند که مانع انجام اعمال عبادی نگردند؛ برای نمونه اگر دارویی وجود داشته باشد که بتوان ضمن استفاده از آن، اعمال عبادی مانند روزه‌داری و برگزاری نماز و غیره را انجام داد، آن‌ها تجویز گردد. در منطق اسلامی، رسالت پزشک، افزون بر ضرورت اجتماعی، دینی است (۲۳). به این معنا که درمانگران باید در فرآیند درمانی به اصول دینی و باورهای بیمار و جامعه توجه داشته باشند و نباید با تجویز دارو این بعد سلامت را با تهدید مواجه سازند. البته باید توجه داشت که بی‌توجهی به سلامت معنوی، فرایند درمان را نیز با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ زیرا برپایه پژوهش‌ها، معنویت و مذهب بر سلامت تأثیر فراوان دارد (۲۴) و نمی‌توان بدون توجه به مسایل معنوی و باورهای بیمار، انتظار سودمندی کامل روش درمانی را داشت.

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

در گستره تعامل با بیمار

در فرایند درمان به ناچار میان درمانگر و بیمار تعامل و گفت‌و گوهایی صورت می‌گیرد؛ در این مرحله نیز باید به زیست کریمانه توجه شده، مؤلفه‌های آن که عبارت از کرامت، نگهداری حریم، تنسک و غیره است، مورد احترام باشد. به این معنا که درمانگر و نهادهای مربوط به درمان باید به گونه‌ای با بیمار رفتار و تعامل نمایند که اصول زیست کریمانه پاسداشته شوند. این امر نمودهای فراوانی می‌تواند داشته باشد؛ برای نمونه می‌توان به ادبیاتی که درمانگر به کار می‌برد، سبک معماری محل درمان، دکوراسیون‌ها، نوع پوشش درمانگران، وسایل صوتی و تصویری و غیره اشاره نموده که همه آن‌ها می‌تواند به عنوان نمودهای توجه به زیست کریمانه در گستره تعامل با بیمار به شمار رود.آئین‌نامه ابلاغی اجرایی قانون انطباق در مواد یک و دوم نیز به این مسئله تصریح نموده است. حق برسلامت معنوی ایجاب می‌نماید که درمانگران و نهادهای مرتبط به درمان، همه تلاش‌های خودشان را برای انجام تعهدات قانونی که در برابر حقوق مکتسبه دیگران دارند، انجام دهند. باید توجه داشت که برپایه مبانی دینی، انسان به مقتضای ساختار وجودیش، افزون بر حق برسلامت جسمانی، حق برسلامت معنوی نیز دارد. در این چهار چوب است که نظارت عمومی (آل عمران/۱۰۴)، حجاب و عفاف (نور/۳۰و۳۱) را می‌توان توجیه و تبیین نمود.؛ زیرا برپایه مبانی انسان شناسی اسلامی (روم/۳۰)، انسان دارای ساحت معنوی و جسمی است و انبیا و کتب آسمانی برای تعالی و رشد هر دو بعد فرستاده شدند (آل‌عمران/۱۶۴). سلامت معنوی در این گستره برای بسیاری از فقها و اندیشمندان اسلامی دارای اهمیت بوده است؛ ازاین‌رو بر لزوم توجه به مباحث فقهی و احکام در فرآیند درمان تأکید نموده‌اند؛ برای نمونه آن‌ها به تناسب رنگ، ضخامت لباس و گان، وجود ابزار برای پوشش سایر اعضای بدن در هنگام معاینه و درمان یک عضو، رعایت پوشش همساز بیمار یا سایر کارکنان در هنگام انجام فعالیت، تناسب پوشش و غیره با شئونات اسلامی، اشاره نموده‌اند (۲۵). در قانون انطباق ایران نیز به این مسایل تصریح شده است.

در گستره اعمال جراحی

اعمال جراحی یکی از دیگر از نمودهای کاربست زیست کریمانه برای دستیابی به سلامت معنوی است. امروزه اعمال جراحی به دلایل گوناگون روبه فزونی است؛ برخی از روی اجبار و به دلیل بیماری اقدام به جراحی می‌نمایند و برخی نیز برای زیبایی و غیره، تن به جراحی می‌دهند. گاهی ممکن است جراحی به دلیل وجود تومورها و مشکلات روانی باشد که برپایه پژوهش‌های انجام شده، معنویت در این گستره نیز أثر دارد و باید مورد توجه باشد (۲۶)؛ یعنی در صورتی که بتوان آموزه‌ها و اصول زیست کریمانه را در این گستره پیاده نمود، افزون بر آن که سلامت معنوی فرد تأمین می‌شود، فرایند درمان بیماری روانی نیز سرعت خواهد یافت. کاربست زیست کریمانه در این گستره به این ترتیب است که باید در فرایند جراحی هم از نظر نرم‌افزاری و هم از نظر سخت‌افزاری به گونه‌ای رفتار شود که کرامت انسانی، پاسداری حریم و اصل تنسک با مشکل مواجه نشود. در این صورت است که زیست کریمانه که برخاسته از موازین شرعی و تضمین کننده سلامت معنوی است، محقق خواهد شد. در ادبیات قرآنی می‌توان زیست کریمانه را در چهارچوب، زندگی پاکیزه و همراه با رنگ الهی تبیین نمود. همانگونه که بیان شد، اعمال جراحی دارای گستره‌های فراوان است که گاهی ممکن است مربوط به سلول‌های بنیادین و بارورسازی تخمک‌ها باشد و سایر حراجی دیگر که ممکن است برخی از حدود با تهدید مواجه شود. در این گونه موارد باید به حلال و حرام که یکی از نمودهای اصل تنسک است، توجه شود (۲۷). افزون برآن به بیماران باید اجازه داده شود تا بتوانند اذکار و دعاهای مد نظر را قرائت نمایند؛ زیرا پایه و بنیاد سلامت معنوی، ارتباط میان آفریدگار و آفریده است (۲۸). برپایه پژوهش های انجام شده، میان سلامت و معنویت رابطه معناداری وجود دارد که این امر در تحقیقات عملی و میدانی نیز ثابت شده اشت (۲۹).

یکی از نمودهای جراحی، بحث پیوند اعضا است. دراین گستره نیز چالش‌های بسیاری که تهدید کننده سلامت معنوی انسان است، قابل شمارش است (۳۰). از یک سو، این عمل باید به صورتی انجام شود که حریم‌های فقهی، اخلاقی و اعتقادی رعایت شوند و از دیگر سو، نسبت به چیزی که ممکن است به بدن بیمار پیوند شود، نیز چالش‌های تهدید کننده سلامت معنوی پدید می‌آید. یکی از آن‌ها این است که حتی الإمکان باید از اشیاء پاک و حلال برای این عمل استفاده شود و چالش‌های مانند برداشت اعضای جسد به وجود آید که همه آن‌ها به نوعی ارتباط نزدیکی با سلامت معنوی دارد؛ ازاین‌رو باید در فرایند جراحی‌ها باید به آن‌ها توجه شود. بسیاری از موارد پیش گفته در قانون ابلاغی اجرای قانون انطباق به تصریح شده است (م۸–۲۵)؛ برای نمونه در ماده بیست و پنج آن قانون از لزوم رعایت شئونات اسلامی در هنگامی جراحی سخن رفته است که این به معنای اهمیت سلامت معنوی در نظام اسلامی است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش فرارو تلاش شد، کاربست زیست کریمانه در سلامت معنوی به بحث گرفته شود. اصولی مانند کرامت انسان، نگهداری حریم و تنسک به عنوان مؤلفه‌های زیست کریمانه هستند که می‌توانند در گستره سلامت معنوی به کارگرفته شوند و با تمسک به این اصول به نوعی از تضمین و گسترش سلامت معنوی در عرصه درمان و پزشکی سخن گفت. این اصول در گستره‌های گوناگون فعالیت پزشکی دارای استلزام‌هایی هستند که برآیند آن‌ها، نایل آمدن به سلامت معنوی است. اصل کرامت، نگهداری حریم و تنسک به عنوان مؤلفه‌های زیست کریمانه در گستره پژوهش‌های پزشکی، تجویز، حراجی و تعامل با بیماران

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]

دارای کاربست هستند و به نوعی پایبندی به آن‌ها می‌تواند سلامت معنوی را پاسداری نماید.

تضاد منافع: نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. Jafari Tabrizi MT. collection of works 1-Islamic mysticism. Compiled and arranged by: Abdullah Nasri, Tehran, Allameh Jafari Institute for Compilation and Publication of Works; 2013.
2. Bolhari J. Institutionalization of spirituality in the concept of spiritual health. Medical Ethics. 2011; 4(14):105-12.
3. Mesbah M. Islamic approach to spiriual health. Qom, Imam Khomeini Education and Research Institute, 2013.
4. Dehghan A. One thousand and one points from the Holy Qur'an. Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an. 2014. pp. 301.
5. Tareehi FB. Majma Al-Baharin. Tehran, Mortazavi Publications, 1416 AH.
6. Gharouyan M. Philosophy of Ethics. 2 ed., Qom, Pik Jalal Publications. 2000. pp .137.
7. Ramezani M. Human Dignity and Perfect Man in Mysticism. Ayeneh-ye- Pazhoohesh. 2007;17(102): 55-67.
8. Sadeghpour T. Human dignity in the Qur'an. Binat Magazine, 2016.
9. Mazandarani M, Explanation of the principles of al-Kafi (Sharh 'Usul al-Kafi). Revised by: Abul Hasan Shearani. Tehran, Al-Maktabah Al-Islamiyah, 1982.
10. Muzaffar MR. Asul al-Fiqh, Qom, Esmailian Publications, Fifth ed., 2016.
11. Ali-Akbari Babukani E. Investigating the privacy of individuals in Imami jurisprudence. First edition, Tehran, Imam Sadiq University, 2012.
12. Najafi MH. Jawahar al-Kalam. Tehran, Dar Al Kutub Al-Islamiyah, 2003.
13. Shahidi SJ. Nahj al -Balaghah, Khotbah 53. Tehran: Amoozesh Enghelab Eslami Publication; 1994.
14. Sadr SMB. Lessons in the Science of Principles. Qom, Darul Alam Publications, 1995.
15. Fayoumi A. Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer for al-Rafa'i. Qom, Dar al-Hijra Institute, 1414 AH.
16. Jadad A, Murray I. Randomized controlled trials. Translated by: Abdol Rasool Sobhani and Mahin Molaei. Tehran, Arjmand publication, 2015.
17. Kulaini M. Usul Al-Kafi, translated by: Seyyed Javad Mostafavi, first edition, 1989.
18. Mohaghegh Damad SM. Spiritual foundations of health in Islamic theology. Medical Ethics. 2011; 4(14):51-63.
19. Atashzadeh-Shoorideh F, Mohtashami J, Abdoljabbari M, Karamkhani M. Facilitators and inhibitors of full hijab by students: One qualitative study. Journal of Research on Religion & Health. 2016;2(3):14-24.
20. Motaghi Handi, A, Kanzal-Amal fi Sanin al-Aqwal Walafal, Beirut, Risala, Institute,1998. [In Arabic]
21. Mojtahedi H. Sterilization in Shia jurisprudence and Arba'ah religions. specialized scientific quarterly of contemporary jurisprudence and law. 2022;79-97.
22. Attributed to Imam Reza, Ali bin Musa, Fiqh al-Reza (a.s.). Mashhad, Al-Al-Bayt Institute, 1406 AH. [In Arabic]
23. Ameli JM. Medical etiquette and ethics in Islam, translated by Mohammad Reza Saleh. Qom, Al-Mustafa International translation & Publication Centre, 2013.
24. Padela AI, Curlin FA. Religion and disparities: Considering the influences of Islam on the health of American Muslims. Journal of Religion and Health. 2013;52:1333-45.
25. Ekhlasi E. Pathology of medical ethics (Sociological analysis). Tehran, Sociologists, first edition, 2015.
26. Galanter M. Spirituality and the healthy mind: Science, therapy, and the need for personal meaning. Oxford University Press; 2005.
27. Sachedina AA. Islamic biomedical ethics: principles and application. Tehran, Sina Cultural and Legal Institute, 2018.
28. Abasi M, Abulghasemi MJ, Shamsi Ghoshki E, Azizi F. Introduction to spiritual health. Tehran, Legal Publications, 2013.
29. Kor A, Pirutinsky S, Mikulincer M, Shoshani A, Miller L. A longitudinal study of spirituality, character strengths, subjective well-being, and prosociality in middle school adolescents. Frontiers in Psychology. 2019;10:377.
30. A group of authors. Biological ethics (bioethics) from legal, philosophical and scientific perspectives. Tehran, Samt Publication, 2014.

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-09-18]

[DOI: 10.30491/JSH.3.2.374]